

جغرافیای انسانی یهود مدینه پیش از اسلام

علی اصغر کریم خانی*

یحیی جهانگیری*

چکیده

یکی از طوایف قدیمی ساکن مدینه، یهودیان بودند که درباره علت حضور آنان در مدینه و زمان ورودشان اختلافاتی بین مورخین و مدینه‌شناسان وجود دارد که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم. همچنین درباره طوایف اصلی و معروف یهود ساکن مدینه؛ یعنی بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع، و محل زندگی آنها و آطام و حصون آنان سخن گفته‌ایم. غیر از این سه طایفه، یازده طایفه غیر معروف یهود نیز در مدینه بودند که به محل زندگی آنان و آطام و حصونشان اشاره کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: یهود، مدینه، جغرافیای انسانی، آطام، حصون

تعریف جغرافیای انسانی

جغرافیای انسانی، پراکنندگی جوامع انسانی را با توجه به اوضاع جغرافیایی و محیط زیست آنها، بررسی می‌کند (قرچانلو، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶).

* پژوهشگر پژوهشگاه عروة الوثقی، aliasqarkarimkhani@yahoo.com

* دکترای مطالعات اسلامی، استاد دانشگاه مذاهب اسلامی، yahia.j.s@gmail.com

تاریخچه بحث

اثر مستقلی، به ویژه به زبان فارسی، درباره جغرافیای انسانی یهود مدینه قبل از اسلام که به طور جامع تمام قبایل یهود را بررسی کرده و به جغرافیای انسانی آنها پرداخته باشد، وجود ندارد. آثار موجود در این زمینه، چند دسته‌اند:

۱. کتب تاریخ عرب و اسلام که در ضمن مباحث خود به مدینه اشاره کرده و درباره یهودیان نیز سخن به میان آورده‌اند، عمدتاً به سه طایفه معروف یهود؛ یعنی بنی نضیر، بنی قریظه و بنی قینقاع اکتفا نموده و البته فقط تاریخچه بعد از اسلام و غزوات پیامبر با این قبایل را مطرح می‌کنند؛

۲. کتب تاریخ مدینه که از یهودیان نام می‌برند و بیشتر درباره سه طایفه اصلی یهود مدینه؛ یعنی بنو قینقاع، بنو نضیر و بنو قریظه سخن می‌گویند. کتاب‌هایی چون *وفاء الوفا (ی سمهودی)*، *معالم المدینه بین العماره و التاريخ (کعکی)* به طور مفصل به این بحث پرداخته‌اند که کتاب کعکی در این زمینه بسیار جامع است. کتاب‌های دیگری چون *عمدة الاخبار و تاریخ المدینه قدیمه و حدیثاً* نیز به این مسئله پرداخته‌اند؛ اما از مباحث سمهودی و کعکی فشرده‌تر و مجمل‌ترند؛

۳. مقالاتی نیز درباره یهودیان نوشته شده که آنها نیز عمدتاً به سه طایفه معروف یهود پرداخته‌اند و از ذکر طوایف دیگر (که یازده طایفه هستند) اشاره نمی‌کنند. مقالاتی مانند «موقعیت یهود در مدینه» به قلم عبدالله بن عبدالعزیز ادریس (میقات حج، بهار ۱۳۷۷، شماره ۲۳، ص ۹۰)، بیشتر درباره تاریخ یهود بحث کرده‌اند تا جغرافیای انسانی، و در بسیاری از مقالات به آطام و حصون یهودیان مدینه هیچ اشاره‌ای نشده است.

۱. نام یهود

هود، به معنای رجوع و توبه، همچنین داخل شدن به دین یهودیت است. گویند: «هَادَ وَ تَهَوَّدَ»؛ یعنی به دین یهودیت داخل شد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۷۶، ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳۹؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۱۶۸). یهود به معنای نسب نیز هست که با «بنی اسرائیل» هم معناست (مقریزی، ج ۱۲، ص ۳۵۴).

یهود، بنی اسرائیل هم نامیده می‌شوند؛ زیرا به اسرائیل منسوب‌اند و اسرائیل لقب حضرت یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم علیه السلام است. در برخی از روایات آمده است: «وَكَانَ

يَعْقُوبُ إِسْرَائِيلَ اللَّهُ وَمَعْنَى إِسْرَائِيلَ اللَّهُ خَالِصُ اللَّهِ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ۳۴۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۱۸).

اما در اصطلاح، به پیروان آیین حضرت موسی علیه السلام که از پیامبران اولوالعزم است، «یهودی» گفته می‌شود.

۲. علت و زمان ورود یهود به مدینه

مورخان و مدینه‌شناسان درباره علت مهاجرت یهودیان به مدینه اقوال مختلفی دارند که سه قول اصلی و مهم آنها از این قرار است:

قول اول؛ برخی از مورخان مهاجرت یهودیان به سرزمین حجاز و مدینه را در پی حملات بخت نصر به سرزمین‌های اردن، مصر و فلسطین دانسته‌اند. او بسیاری از یهودیان را به اسارت گرفت و این قوم را پراکنده کرد. در پی این حملات، عده‌ای به حجاز، یثرب، وادی القری و مکان‌های دیگر رفتند و ساکن آن سرزمین‌ها شده‌اند که این ماجرا در روایات شیعی هم وارد شده است (قمی، ج ۱، ص ۸۶؛ بلعمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۶۳).

قول دوم؛ مهاجرت یهودیان به جزیره العرب و به خصوص مدینه، در سال هفتاد میلادی و پس از آن صورت گرفته است. این امر، به علت تخریب معابد آنان توسط قیصر تیتوس و حملات متعدد قیصرها علیه یهودیان از سال ۱۳۲ میلادی بوده که موجب فرار عده بیشتری شد. از این رو برخی از آنان به حجاز رفتند و عده‌ای نیز وارد یثرب شدند (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۲۹؛ قائدان، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰).

گفتنی است در قرن پنجم میلادی نیز بار دیگر یهودیان مهاجرت کرده‌اند. این بار نیز هدف آنان رهایی از تسلط و ستم رومیان و یافتن جای امنی برای زندگی بود؛ زیرا رومیان، فلسطین را تصرف کرده بودند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۷، ص ۱۲).

قول سوم؛ علامه طباطبایی، در المیزان، به نقل از تفسیر عیاشی، ذیل آیه مبارکه ﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (بقره: ۸۲)

روایتی است از امام صادق علیه السلام درباره سکونت یهود در مدینه که می‌گوید:

یهودی‌ها در کتاب‌های خود خوانده بودند که هجرت‌گاه محمد، پیامبر خدا ﷺ، در میان «عیر» و «أحد» خواهد بود؛ از این‌رو، برای یافتن آن مکان، از سرزمین خود بیرون آمده، به کوهی رسیدند که آن را «حداد» می‌نامیدند. گفتند «حداد» و «أحد» یکی است و در همانجا متفرق شدند؛ بعضی در «تیمما» منزل کردند و بعضی در «فدک» و گروهی در «خیبر». آنان که در «تیمما» بودند، تصمیم گرفتند به دیدار برادرانشان بروند. در این اثنا، عربی از آنجا عبور می‌کرد که شترانی داشت. یهودیان شترانی از وی کرایه کردند. عرب گفت: «شما را از میان عیر و احد عبور می‌دهم.» گفتند: «وقتی به آنجا رسیدی، ما را آگاه کن.» عرب هنگامی که به یثرب رسید، گفت: «آن عیر است و این احد.» یهودیان پیاده شدند و گفتند: «به مقصود خود رسیدیم و نیازی به شترهای نداریم. هر جا می‌خواهی برو.»

آنان به برادران خود در فدک و خیبر نوشتند: «ما محل موعود را یافته‌ایم. بشتابید و خود را به ما برسانید.» یهودیان ساکن فدک و خیبر در پاسخ ایشان نوشتند: «ما در اینجا ساکن شده، اموالی فراهم کرده‌ایم و به شما بسیار نزدیکیم. آن‌گاه که پیامبر اسلام ظهور کرد، بی‌درنگ به سوی شما خواهیم آمد.»

یهودیانی که به یثرب آمدند، اموالی برای خود فراهم کرده، به زندگی روزمره پرداختند. «تبع» از این ماجرا آگاهی یافت و با آنان وارد جنگ شد. آنها در قلعه‌های خود متحصن شدند. تبع محاصره‌شان کرد و امانشان داد تا نزد وی آیند. تبع به آنان گفت: «من سرزمین شما را پسندیده‌ام و دوست دارم در میان شما باشم.» گفتند: «چنین چیزی امکان ندارد؛ زیرا اینجا هجرت‌گاه پیامبری از پیامبران الهی است و تا او هجرت نکند، کسی چنین حقّی ندارد.» گفت: «پس من کسانی از طایفه‌ام را در میان شما می‌گذارم تا آن‌گاه که پیامبر آمد، وی را مساعدت و یاری کنند. لذا دو قبیله «اوس» و «خزرج» را، در میان آنها گذاشت. وقتی تبعیان زیاد شدند، بر یهودیان یثرب سلطه یافته، اموالشان را می‌گرفتند و یهودیان به آنان می‌گفتند: «سوگند یاد می‌کنیم آن‌گاه که محمد ﷺ مبعوث گردد، شما را از سرزمین خود بیرون می‌رانیم.» لیکن وقتی خداوند، پیامبر را مبعوث کرد، «انصار» به او ایمان آوردند و یهود کافر شدند (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۴۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۰۸).

مضمون این روایت در منابع مختلف؛ از جمله، سیره ابن هشام نقل شده است. از این روایت و روایاتی که ذیل آیه ﴿أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبِعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾ (دخان: ۳۷) آمده، استفاده می‌شود که نخستین ساکنان یثرب، یهودیان بوده‌اند. آنچه حضور یهود در مدینه را به دلیل ظهور پیامبر اسلام در آن شهر تقویت می‌کند، این است که حجاز به لحاظ جغرافیایی و آب و هوا مکان مناسبی برای زندگی نیست و از این رو، در کشورهای همجوار آن، تراکم جمعیتی بیشتری ملاحظه می‌شود. نکته دیگر اینکه یهودیان با اوس و خزرج دربارهٔ پیامبر عربی که بساطت پرستی را از بین خواهد برد و آیین یهود را ترویج خواهد کرد گفتگو می‌کردند و وعده ظهور او را می‌دادند (سبحانی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۴۰۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۶).

۳. قبایل یهودی ساکن در مدینه

یهودیانی که به یثرب رفتند، ۲۵ قبیله بودند که در سه منطقه از یثرب فرود آمدند. البته از همه آنها اطلاعات وجود ندارد و از برخی از آنها نام برده و به آطام و حصونشان اشاره شده است که به آنها خواهیم پرداخت (قائدان، ۱۳۸۶ش، ص ۲۱۰). سه قبیله مهم و معروف ساکن در مدینه، بنی قریظه، بنی قینقاع و بنی نضیر نام داشتند و یازده قبیله غیر معروف دیگر نیز در این شهر حضور داشتند که نامشان موجود است. اما از قبایل دیگر اطلاعی در دست نیست.

الف) بنی قینقاع

یک - نسب و ریشه و زمان ورودشان به مدینه

بنی قینقاع از مهم‌ترین، شجاع‌ترین و ثروتمندترین قبایل یهود بودند که در مدینه زندگی می‌کردند. دربارهٔ منشأ بنی قینقاع اطلاع دقیق و درستی در دست نیست. برخی آنان را از جمله عرب‌هایی می‌دانند که یهودی شدند. بعضی نیز احتمال می‌دهند ایشان از یهودیانی باشند که بین سال‌های ۷۰ تا ۱۳۵ میلادی به یثرب مهاجرت کرده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳ش، ج ۱۲، ص ۶۸۲). برخی نیز در یهودی‌تبار بودن اعضای این قبیله تردید کرده و آنان را از نسل عیسو (ادوم)، برادر یعقوب، دانسته‌اند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۰۹).

دو- محل سکونت

بنوقینقاع در جنوب غربی مدینه و در منطقه الصاغه زندگی می کردند. بازاری نیز به نام سوق الصاغه بر پا کردند و منازل عالی و زیبای آنان در شمال غربی ماشجونیه ساخته شد و این سخن که آنها در مرکز مدینه ساکن بودند، نظر درستی نیست (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۸). شغل آنان نیز زرگری، کفشگری و آهنگری بود (بلعمی، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۱۵۱).

سه- اطم و حصون

قلعه سازی از ویژگی های معماری یثرب پیش از اسلام بود که به این قلعه ها «اُطم» می گفتند. جنگ های طوایف یثرب با یکدیگر و با بیگانگان، ساختن قلعه ها را رواج داده بود. اُطم ها شباهت چندانی به قلعه های موجود در سرزمین های دیگر نداشته و سبک خاصی داشتند. سادگی و فقدان پیچیدگی ها و ظرافت های معماری را می توان از جمله ویژگی های آنها شمرد.

در ساخت اُطم از سنگ هایی با حجم های گوناگون استفاده می شد و میان آنها گِل می ریختند. اطم تختگاه و سگوهای بلندی داشت که برای هواخوری و اشراف بر پیرامون قلعه سودمند بود. هنگام جنگ، اُطم نشینان به درون آن پناه می بردند و از فراز قلعه، سنگ و... بر سر مهاجمان می ریختند و خود را از گزند دشمنان ایمن نگه می داشتند.

گونه ای دیگر از قلعه های یثرب «حصن» نام داشت که در شکل ساخت، با اُطم اندکی متفاوت بود. در این نوع، سنگ های بزرگ چهارگوشی به کار می رفت که میان آنها گل نمی ریختند. معمولاً در فضای داخلی این قلعه ها نیز چاه هایی برای استفاده ساکنان آن کنده می شد. ویژگی های اُطم و حصن را تا حدی در آثار به جا مانده پیش از اسلام، می توان دید (بنایی کاشی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۴۱۲).

اول - اطم مُریح

این قصر از مهم ترین و مشهورترین قصرهای بنی قینقاع است که در منزلگاه های خود بنا کرده اند و در انتهای جسر بطحان از عوالی جنوب شرقی مدینه واقع شده است (حازمی، بی تا،

ص ۲۰۹؛ ابن عبدالحق بغدادی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۲۶۲؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۱۴۵؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۴۱؛ علی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۸۷؛ شراب، ۱۴۱۱ق، ص ۲۵۱؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۲). این منطقه اکنون به الشریبات معروف است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۲). کعکی به اشتباه بیان می کند که سمهودی به این اطم اشاره نکرده است. در حالی که در جلد چهارم *وفاءالوفاء* به این اطم و اینکه مالک آن بنی قینقاع بوده اند و مکان آن اشاره کرده است.

دوم- اطم حبره

این دو اطم از قصرهای بنی قینقاع است که در حشاشین، در زمینی که به آن حبره گفته می شود، واقع شده است (اسکندری، ج ۱، ص ۴۰۸؛ حازمی، بی تا، ص ۷۲؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۵۳؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۷) و علت نام گذاری اش به این نام، مزرعه ای است که این دو قصر در آن وجود داشته که نام آن حبره بوده است. این دو قصر در عالیه است. وقتی که از جسر بطحان عبور کنید، در پایین عالیه و کنار سوق عالیه که در جاهلیت معروف بوده، واقع شده است و در جهت جنوب شرقی مدینه قرار دارد (عباسی، بی تا، ص ۳۹؛ کعکی، ۱۹-۱۴، ج ۳، صص ۱۰۳-۱۰۲).

سوم- اطم ذوالشهر

این قصر در بستان ذی شهر واقع شده و به همین دلیل، آن را ذوالشهر نامیده اند (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳). این اطم در جنوب عالیه، در جهت جنوب شرقی مدینه و در منتهای جسر بطحان واقع شده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۳). سمهودی به این اطم اشاره ای نکرده است.

چهار- بازار بنوقینقاع

بازار بنی قینقاع از مشهورترین بازارهای یثرب (مدینه قبل از اسلام) بوده است که به آن «بازار یثرب» نیز می گفتند. این بازار نزدیک جسر بطحان قرار داشت و تا زمان پیامبر خدا ﷺ نیز برقرار بود (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۹۵؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۸۰). این بازار در طول سال به دفعات دایر می شد (شراب، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۴) و مردم به آن فخر می کردند و شعری چون حسان بن ثابت و نابغه ذبیانی درباره آن شعر سروده اند (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹۰؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۹۵).

ب) بنونضیر

یک - نسب و ریشه

بنونضیر، از قبایل یهود ساکن مدینه تا نخستین سال‌های هجرت پیامبر به مدینه بودند. آنان پیش از ظهور اسلام در یثرب ساکن شدند (یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۹). اما روایات تاریخی درباره منشأ آنان، متفاوت است:

برخی آنها را از قبیله جذام و از اعراب می‌دانند که یهودی شدند و در کوه نضیر اقامت گزیدند و پس از آن به نام این کوه خوانده شدند (یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۰۸؛ مسعودی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۲۵؛ بکری، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۱۶۴).

اما عده‌ای دیگر، آنان را از نسل هارون بن عمران می‌دانند (کاتب واقدی، ج ۸، ص ۱۲۴؛ مسعودی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۲۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۵۰) که پس از وفات حضرت موسی و پیش از مهاجرت قبایل عرب اوس و خزرج به مدینه که به سبب سیل عرم صورت گرفت، در مدینه ساکن شده بودند (ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۳۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۲، ص ۳۴۳). بر پایه گزارش‌هایی از این دست، به دنبال جنگ رومیان با یهود (سال هفتاد میلادی) بنی نضیر نیز مانند دیگر قبایل یهود به حجاز گریختند.

دو- زمان ورود به مدینه

با توجه به اختلافی که درباره نسب بنونضیر وجود دارد، چنان‌که بیان شد، زمان ورود آنان به مدینه هم مورد اختلاف است.

برخی مهاجرت بنی نضیر را به مدینه، قبل از سیل عرم نقل کرده‌اند. اما درباره زمان وقوع سیل عرم چند قول وجود دارد: بعضی از مورخان مسلمان؛ مانند اصفهانی، تاریخ انهدام سد را چهارصد سال قبل از اسلام، و برخی مانند یاقوت، زمان وقوع آن را حدود قرن ششم میلادی، کمی قبل از ظهور اسلام دانسته‌اند و از نظر برخی؛ مانند ابن خلدون، این حادثه در قرن پنجم میلادی واقع شده است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰ش، صص ۳۳۳ - ۳۳۲).

سه- محل سکونت

بنونضیر در منطقه عالیه ساکن شدند که روستای زیبا و مشهوری است و امروزه آن را «العوالی» می‌نامند. این منطقه در جنوب مدینه و نزدیک قبا واقع شده بود و منازلشان تا جنوب شرق امتداد داشت. بنونضیر کنار وادی مدینب بودند و در این منطقه به حفر چاه‌های بزرگ و کاشت درختان پرداختند (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۷؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۲۲، ص ۳۴۴؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۸).

چهار- آطام و حصون

بنونضیر نیز مانند سایر یهودیان دارای آطام و حصون متعددی بودند که به آنها اشاره می‌شود:

اول- اطم کعب بن اشرف

به جز آثار مذهبی، یکی از معدود آثار بر جای مانده در مدینه، از پیش از اسلام، قصر کعب بن اشرف از ثروتمندان یهودی است که به دلیل تحریکاتش بر ضد اسلام، به دستور پیامبر خدا ﷺ پس از واقعه احد و جریان بیرون راندن بنی‌نضیر از مدینه، کشته شد. این قصر قلعه‌گونه، در نزدیکی سد بطحان، در شارع السدّ، در منطقه قبا قرار دارد و آثار آن همچنان باقی است و تابلوی «منطقة الآثار» روی آن نشان می‌دهد که آن را به عنوان یک اثر باستانی می‌شناسند. دیوارهای قطور یک متری و بنای به احتمال چند طبقه که بخشی از آن زیر خاک مدفون شده و از سطح بلند آن نسبت به زمین‌های زراعی اطراف آن فهمیده می‌شود، می‌تواند آگاهی‌های جالب توجهی درباره نوع قلعه‌سازی پیش از اسلام در این منطقه یهودی‌نشین، به ما بدهد (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۳۱؛ جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۲۷۹).

دوم- اطم عاصم

این قصر به مردی از یهود بنونضیر تعلق داشته که در اطراف مائی بطحان و نزدیک چاه قبا بوده است. سمهودی اشاره می‌کند که این قصر در دار ثوبه بن حسین بن السائب

ابی لبابه واقع بوده و جهت آن معلوم است، ولی اثری از آن وجود ندارد (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۰؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۴۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۱).

سوم - حصن فاضجه

یکی از دژهای عمومی بنونضیر، حصن فاضجه است (اسکندری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۱۸؛ ابن عبدالحق بغدادی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۰۱۵) که در محله بنونضیر قرار داشت و شامل بطحان و نواعم بود. نواعم منطقه بزرگی است که دارای باغها و مزارع زیادی است و عوالی در منطقه قبا قرار دارد. اما نام گذاری این دژ به این دلیل است که در بستانی در نواعم که ناضجه نام داشته، واقع شده است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۲).

چهارم - حصن البویله

البویله یکی از دژهای قبیله بنی نضیر بوده است (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۲؛ شراب، ۱۴۱۱ق، ص ۵۵). این دژ در منازل قوم بنونضیر و جنوب مدینه در بطحان و در امتداد منازل آنها تا شرق مدینه واقع شده است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۹۴).

پنجم - حصن عمر بن جحاش

این حصن یکی از دژهای استوار در منازل بنونضیر است که به یکی از بزرگان این قبیله، به نام عمر بن جحاش تعلق داشته است (خیاری، ۱۴۱۹، ص ۳۲). این دژ در منازل بنی نضیر و زقاق حارث، پشت قصر ابن هشام و در جنوب و شرق مدینه قرار داشته و البته موضع فعلی آن مشخص نیست (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۹۵-۹۴).

ششم - حصن براج یا برج

این حصن از دژهای بنونضیر است که نزد برخی به براج و نزد برخی دیگر به برج شناخته شده است. این دژ برای بنوالقیمه از بنونضیر بوده و در منازل آنها بنا شده است

(خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵؛ علی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۹۰). این دژ در بطحان و نزدیک حصن کعب بن اشرف و در منطقه اساسی بنی نضیر بنا شده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۷). سمهودی در کتاب خود از حصنی به این نام سخنی به میان نیاورده است.

هفتم - حصن منور

یکی از دژهایی که در منازل بنی نضیر در جنوب مدینه و در منطقه نواعم و محدوده ام عشر و ام اربع بنا شده است، «دژ منور» نام دارد که نزدیک دژ کعب بن اشرف واقع است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۱۵۲؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۷).

هشتم - اطم الطویله

اطم الطویله یکی از قصرهای بنی نضیر است که در منزلگاه آنان در بطحان و در جنوب مدینه قرار داشته است (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۸). سمهودی اطمی به این نام ذکر نکرده است.

نهم - اطم بنی نضیر در دار طهمان

یکی دیگر از اطم‌های بنی نضیر، قصری است که در دار طهمان و در عوالی و جنوب شرق مدینه قرار دارد (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱؛ عباسی، ص ۳۹؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۸). این اطم از آطامی است که جهت آن معلوم است، ولی اثری از آن موجود نیست (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۸). سمهودی به اطمی بدین نام اشاره نکرده است.

دهم - اطم در مال ابی امامه

این اطم یکی از قصرهای مهم و اصلی بنی نضیر است و در امتداد منازل آنها به طرف جنوب شرقی مدینه، در عالیه عوالی واقع شده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۹). برخی نیز معتقدند که این قصر در مال ابی امامه سهل بن حنیف در جنوب مدینه واقع شده است (عباسی، بی تا، ص ۳۹؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱). سمهودی به اطمی بدین نام اشاره نکرده است.

پنج - بیت المدراس

بیت المدراس به معنای محل یادگیری علم و دانش است و یهودیان در آن به فراگیری تورات و علوم دینی می پرداختند. به این خانه‌ها بیت التلمود هم گفته می شد (جواد علی، ۱۹۷۳م، ج ۱۵، ص ۲۹۱). واژه «مدراس» از کلمه عبری «مدراش» گرفته شده است که پیشینه آن به سال ۶۹ میلادی و محاصره اورشلیم از سوی سپاه تیتوس، امپراتوری روم، باز می گردد. در این زمان، یکی از کاهنان به نام «یوحنا» از روم گریخت و در شهر ساحلی یبنة در فلسطین، مرکزی علمی دایر کرد که به زبان عبری به آن «مدراش» می گفتند. یهودیان یثرب نیز مرکز علمی و دینی به نام «بیت المدراس» داشتند که در آنجا تورات و احکام دینی خود را فرا می گرفتند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۵۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۸۳). در منابع تاریخی آگاهی های اندکی در این زمینه وجود دارد. برخی موقعیت بیت المدراس را در مشربه ام ابراهیم دانسته اند (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۳؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۳۵) که مالک این مشربه و شش باغ دیگر؛ یعنی المیشب، الضیافه، الدلال، حسنی، برقه و الأعواف، مخیرق یهودی بود. مُخیرق از قبیله بنی نضیر بود که بعد از هجرت پیامبر به مدینه ایمان آورد و قبل از جنگ احد به شهادت رسید و اموال او جزو صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه شد (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۴۶).

ج) بنوقریظه

«بنوقریظه» از دو کلمه تشکیل شده است: «بنو» جمع ابن است و در لغت به معنای پسر می باشد، و قریظه، مصغر «قرظه» است و «قرظ» در لغت به معنای برگ درخت سَلَم است که با آن دباغی کنند و تقریظ، کسی را مدح کردن می باشد. همچنین «قریظه» نام کوهی است که افراد قبیله بنوقریظه بر آن وارد، و به آن منسوب شدند. اما بنا بر قولی نام جد اعلای آنها قریظه بوده است (یعقوبی، ج ۲، ص ۵۲).

درباره منشأ حضور و مهاجرت بنوقریظه به مدینه گزارش های متفاوتی وجود دارد. برخی آنها را اعقاب هارون برادر حضرت موسی می دانند (مسعودی، ۱۳۶۵ق، ص ۲۲۵؛

ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۵۹) و برخی نیز بنی قریظه را از طایفه جُذام سکنه فلسطین می‌دانند که در عهد عادی ابن سموئل به دین یهود گرویدند (یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۲؛ مسعودی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۲۵). به دنبال جنگ رومیان با یهود (سال هفتاد میلادی)، بنی قریظه به حجاز حجرت کردند و در مدینه ساکن شدند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۲، ص ۱۰۷).

یک - محل سکونت

بنوقریظه در عالیه ساکن شدند و چنان که گذشت، امروزه آن را العوالی می‌نامند. آنان در کنار وادی مهزور قرار گرفتند (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۱؛ مرجانی، ۲۰۰۲م، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۲، ص ۳۴۴؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۷). آنها در این منطقه به حفر چاه و کاشت درختان پرداختند.

دو- آطام و حصون ۱۴۲۲ق

اول - حصن زبیر بن باطا

این دژ از مشهورترین و بازدارنده‌ترین دژهای بنوقریظه بوده و زبیر بن الباطا القرظی آن را بنا کرده است. این دژ در بنوقریظه و در منطقه عوالی شرقی مدینه واقع شده است. بعد از غزوه بنوقریظه این دژ منهدم شد و زمین آن در توسعه مسجد بنوقریظه و ضمیمه آن قرار گرفت (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۰؛ ورتیلانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۴۴؛ السامرایی، ۱۹۸۴م، ص ۲۰؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۸۵).

دوم - حصن الملحه

این دژ نیز یکی از مشهورترین دژهای بنوقریظه بوده و آن نیز به زبیر بن الباطا القرظی تعلق داشته است که آن را در دار هدل که برادران بنوقریظه بودند، بنا کرد. این منطقه در عوالی، در شرق مدینه واقع شده است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۱۴۹؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۸۹).

سوم - حصن بلحان

این دژ به یکی از افراد بنوقریظه به نام کعب بن اسد قرظی متعلق بوده است. این دژ در منطقه عوالی در شرق مدینه و در دیار بنی النضیر بنا شده است. این حصن به دلیل قرار گرفتن در نخلستان، به اطم شجر نیز معروف است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ صالح احمد، ۱۳۷۵ش، ص ۳۹۱؛ کعکی، ج ۳، ص ۹۰).

در مورد این اطم شعری نیز سروده‌اند:

من سره رطب و ماء بارد فلیأت أهل المجد من بلحان

هر کس که او را رطوبت و آب خنک مسرور می کند، پس به سمت اهل مجد از بلحان بیاید.

(بکری، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۴۱۴؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۶۲؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۰).

چهارم - حصن المعرض

این حصن از عظیم‌ترین و بازدارنده‌ترین حصون بنوقریظه بوده است که هنگام شدت مشکلات در جنگ به این دژ پناه می‌بردند. این دژ در شرق مدینه و در منطقه عوالی، در دیار بنوقریظه ساخته شده است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۱۴۸؛ صالح احمد، ۱۳۷۵ش، ص ۳۹۰؛ سامرایبی، ص ۲۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ص ۹۱ - ۹۰).

(د) قبایل غیر معروف یهود

در مدینه غیر از قبایل مشهور و سه گانه یهود، یهودیان دیگری نیز حضور داشتند که در کتب تاریخ نام آنها ذکر شده است. البته اطلاعات زیادی از زندگی آنها موجود نیست و فقط به برخی از آثار این قبایل یهودی مانند قصرها و دژهای آنان و همچنین منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کردند اشاره شده است.

یک - یهود الجوانیه

یکی از قبایل یهود که در مدینه زندگی می‌کردند، الجوانیه بودند. آنها در شمال شرقی مدینه در منطقه عریض زندگی می‌کردند که از جهت شرق به حره شرقیه

می‌رسیده و از جهت شمال، سمت احد بوده است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۵۲؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۴؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۵).

اطم صرار از مشهورترین آطام یهود است. این قصر در منازل الجوانیه بنا شده بود. علت نام گذاری این قصر به «صرار»، منطقه‌ای است که این قصر در آن قرار داشته است. این اطم ابتدا از آن بنی ثعلبه بود و سپس از آن بنی حارثه از اوس شد (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۲؛ عباسی، ۴۰؛ السامرای، ص ۲۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۳).

اطم‌الریان یکی دیگر از قصرهایی است که به الجوانیه منسوب بوده و در منطقه العریض در شمال شرقی مدینه قرار داشته است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۵۲؛ عباسی (بی تا)، ص ۴۰؛ السامرای، ص ۲۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۷). سمهودی اشاره می‌کند که این اطم بعدها از آن بنی حارثه شد (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۵۲).

دو- یهود اهل والج

یکی از قبایل یهود که در شمال مدینه فرود آمدند و آنجا محل زندگی ایشان بود، اهل والج بودند که نزدیک وادی قنات واقع شده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۳). حصن شیخین یکی از دژهایی است که یهودیان اهل والج آن را بنا کردند. این حصن در بالای تپه‌ای در شمال مدینه واقع شده است. دژ مزبور بعدها به بنی حارثه از اوس رسید. در مقابل این دژ، قبه شیخین که به «اطم شیخین» معروف است، قرار دارد (سامرای، ۱۹۸۴م، ص ۲۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۹). برخی این حصن را متشکل از سه اطم می‌دانند که به صورت یک دژ عظیم دیده می‌شود (عباسی (بی تا)، ص ۴۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۹).

سه- یهود اهل شوط

یکی از قبایل یهودی مدینه، یهودیان اهل شوط بودند که منازل آنها در شمال مدینه واقع شده بود؛ منطقه‌ای که از جهت غرب، به شمال جبل‌الرایه منتهی می‌شود. بین یهودیانی که در آن منطقه ساکن بودند، یهود اهل شوط از همه مشهورتر بودند (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۷).

اطم‌الشرعی از بزرگ‌ترین قصرهای یهود است که در شمال مدینه، پایین‌تر از کوه ذباب و در منازل اهل شوط بنا شده بود (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۲). بعد از یهودیان، این قصر از آن بنی‌جشم بن حارث بن خزرج شد (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۱۳۲؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۲).

چهار- یهود اهل زباله

یهودیان اهل زباله در شمال غربی مدینه زندگی می‌کردند. اهل زباله دژهای زیادی را بنا کردند که کوچک و متفرق بود؛ برخلاف دژهای یهودیان الجوانیه که در شمال مدینه زندگی می‌کردند و دژهای بزرگی داشتند (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۳؛ خلیلی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۲). دو قصر از این قصرها در کومه ابي‌الحمراء الرابض، توسط یهودیان اهل زباله بنا شده است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۲؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۷).

عیاشی در *المدینه بین الماضي والحاضر* می‌نویسد: «آنجا منطقه معروفی است که امروزه به عقاب یا الزبارة الحمراء شناخته می‌شود.» (عیاشی، ۱۳۹۲ق، ص ۴۰).

پنج - یهود عنابس

گروهی از یهودیان بودند که در منطقه‌ای به نام عنابس زندگی می‌کردند. العنابس منطقه‌ای است معروف که در غرب مدینه و در وادی عقیق قرار دارد؛ منطقه وسیعی که دارای بستان‌ها و مزارع بسیار است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۶). عنابس یازده قصر داشتند که در منزلگاه‌های خود بنا کرده بودند (عیاشی، ص ۴۰؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۶).

شش - بنی‌عکوه

قبایلی از یهود در شرق منطقه العریض زندگی می‌کردند که به یهودیان بنی‌عکوه معروف بودند. این منطقه در طرف حره واقم شمالی و کنار منازل بنی‌حارثه واقع شده است. بنی‌عکوه را از قوم بنی‌عکم می‌دانند (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۸).

سمهودی می نویسد: «بنی عکوه در سمت راست بنی حارثه زندگی می کردند» (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۲). بنی عکوه دارای دو اطم بودند که به آنها نسبت داده شده است؛ یکی اطم شعبان که سمهودی به آن اشاره کرده (همانجا؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵) و دیگری اطم النحال که خیاری آن را در کتاب تاریخ خود آورده است (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۸).

هفت - بنی زیداللوات

بنی زیداللوات از قبایل یهودی بودند که در نزدیکی بنی غصینه زندگی می کردند. (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۹). مورخان و مدینه شناسان، بنی زید را از قوم عبدالله بن سلام می دانند (ابن رسته اصفهانی، ۱۸۹۲م، ص ۶۲؛ ابن نجار، بی تا، ص ۳۰؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۹). به دلیل همین اختلاف، موقعیت منازل بنی زید مشخص نیست. گفته شده آنها در نزدیکی بنو غصینه بودند؛ ولی با توجه به اینکه بنو غصینه به چند گروه منشعب شدند و هر کدام در منطقه ای ساکن بودند و موقعیت دقیق آنها ضبط نشده است، از این رو، منازل بنی زید به صورت مشخص تعیین نشده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۱۲۰-۱۱۹).

هشت - بنو ماسکه

بنو ماسکه از قبایل یهودی بودند که در جنوب شرقی مدینه ساکن شدند. بنو ماسکه در ناحیه قف بودند و قف، یکی از وادی های مدینه است که در آنجا مزارع و مواشی قرار داشت. بنو ماسکه در منزلگاه خود دو اطم داشتند که یکی در نزدیکی صدقه مروان بن حکم بود و دیگری در بستان اسماعیل بن زید و نزدیک اطم دیگر بنو ماسکه قرار داشت (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، صص ۳۳-۳۲؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۱۲۳-۱۲۰).

نه - بنو زعوراء

بنو زعوراء یکی از قبایل یهودی است که در جنوب مدینه در جهت عوالی فرود آمدند و در مشربۀ ام ابراهیم منازل خود را به پا کردند.

بنی زعوراء اطمی داشته‌اند که به نام اطم بنی زعوراء معروف بوده و در بستان جحاف، یکی از افراد بنی زعوراء، بنا شده است.

این اطم در منازل آنها در منطقه عوالی در جنوب مدینه قرار دارد (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ عباسی، ص ۱۳۹؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۱۲۲-۱۲۱).

ده - بنو حجر

بنو حجر قبیله‌ای از یهود بودند که در نزدیکی مشربه ام‌ابراهیم و در جنوب شرق مدینه، در منطقه عوالی فرود آمدند. این قبیله از یهودیان با قبایل دیگری از یهود همچون بنی زعوراء و بنی ماسکه هم‌پیمان بودند (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۶).

برای بنو حجر در کنار قبایل دیگر یهود اطمی را ذکر می‌کنند که در مشربه ام‌ابراهیم است و در کنار جسر، که به آن اطم بین حجر گفته می‌شد، واقع شده است (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ عیاشی، ص ۲۴؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۹).

یازده - بنو ثعلبه

برخی از مدینه شناسان، بنو ثعلبه را از قوم فطیون می‌دانند و محل زندگی بنو ثعلبه و اهل الزهره را در جهت مشربه ام‌ابراهیم و در شمال آن منزل ذکر کرده‌اند (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۶). ابن رسته اصفهانی هم آنها را از بنی اسرائیل می‌داند (ابن رسته اصفهانی، ۱۸۹۲م، ص ۶۲).

بنو ثعلبه دارای آطام زیادی بودند که برخی از آنها را مورخین ذکر کرده‌اند. از مهم‌ترین آنها دو اطم است که در جهت شمال شرقی مدینه و در طریق عریض واقع شده است (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۶). یک اطم دیگر را هم عیاشی برای بنی ثعلبه ذکر کرده که در زمین سعدبن عباده قرار دارد (عیاشی، بی‌تا، صص ۴۰-۳۹). عبدالله بن صوریا از مشهورترین افراد بنو ثعلبه بود که کسی در حجار عالم‌تر از او به تورات نبود (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، صص ۳۰۰-۲۹۹؛ نجفی، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۴۱۶).

* قرآن کریم.

۱. ابن حجر، احمد (۱۴۱۵ق)، الاصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۴۰۸ق)، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحاده بیروت، دارالفکر.
۳. ابن رسته اصفهانی، احمد (۱۸۹۲م). الاعلاق النفیسه، بیروت، دار صادر.
۴. ابن سید الناس، محمد (۱۴۱۴ق)، عیون الاثر، بیروت، دار القلم.
۵. ابن شبه، عمر (۱۴۱۰ق)، تاریخ المدینه المنوره، قم، دار الفکر.
۶. ابن عبدالحق بغدادی، صفی الدین (۱۴۱۲ق)، مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، بیروت، دار الجیل.
۷. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
۸. ابن نجار، محمد (۱۹۸۱م). اخبار مدینه الرسول، مکه، مکتبه الثقافه.
۹. ابن نجار، محمد (بی تا). الدرۃ الثمنیه فی اخبار المدینه، بیروت، دار الارقم بن ارقم.
۱۰. ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه، بیروت، دار المعرفه.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی (۱۳۹۳ق)، الاغانی، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتب.
۱۲. اسکندری، نصر (۱۴۲۵ق)، الامکنه و المیاه و الجبال و الآثار، ریاض، مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه.
۱۳. بکری، عبدالله (۱۹۹۲م). المسالک و الممالک، بیروت، دار المغرب الاسلامی.
۱۴. بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق)، انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر.
۱۵. بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸ش)، تاریخنامه طبری، تهران، سروش.
۱۶. بنایی کاشی، ابوالفضل (۱۳۹۲ش)، اطلس تاریخ اسلام، قم، اطلس تاریخ شیعه.
۱۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۰ش)، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سوم.
۱۸. جعفریان، رسول (۱۳۸۶ش)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، نشر مشعر، هشتم.
۱۹. جواد علی (۱۹۷۳م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار العلم.
۲۰. حازمی، محمد (بی تا). الاماکن، بی جا.

۲۱. خطراوی، محمد سعید (۱۴۰۳ق)، المدينة فی العصر الجاهلی، دمشق، مؤسسه علوم القرآن.
۲۲. خلیلی، جعفر (۱۴۰۷ق)، موسوعة العتبات المقدسه، بیروت، مؤسسة اعلمی للمطبوعات.
۲۳. خیاری، احمد یاسین (۱۴۱۹ق)، تاریخ معالم المدينة المنورة قديما و حديثا، عربستان، عامه.
۲۴. سامرائی، خلیل، رثائه، حامد محمد (۱۹۸۴م)، المظاهر الحضریة للمدينة فی عصر النبوة، موصل، مكتبة بسام.
۲۵. سبحانی، جعفر (۱۳۷۷ش)، فروغ ابدیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. سمهودی، علی (۲۰۰۶م). وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۷. شراب، محمد (۱۴۱۱ق)، المعالم الاثيرة، دار الشامیه، فی السنة و السیره.
۲۸. صالح احمد، علی (۱۳۷۵ش)، حجاز در صدر اسلام، ترجمه محمد آیتی، تهران، نشر مشعر.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناسر خسرو.
۳۲. طبری، محمد (۱۳۷۵ش)، تاریخ طبری، اساطیر، ترجمه ابوالقاسم پاینده.
۳۳. طبری، محمد (۱۹۶۷م). تاریخ الطبری، بیروت، دار التراث.
۳۴. عاملی، سید جعفر (۱۳۹۱ش)، الصحیح من سیره النبی الاعظم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. عباسی، احمد (بی تا). عمدة الاخبار فی مدينة المختار، عربستان، السعد درابزوی.
۳۶. علی، صالح احمد (۱۳۷۵ش)، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، نشر مشعر، اول.
۳۷. عیاشی، ابراهیم (۱۳۹۲ق)، المدينة بین الماضي الحاضر، مدینه، المكتبة العلمیه.
۳۸. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، ۱۳۸۰، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه.

۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۴ق)، العین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۰. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.
۴۱. قائدان، اصغر (۱۳۸۶ش)، تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، مشعر.
۴۲. قرچانلو، حسین (۱۳۸۲ش)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت).
۴۳. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم، دار الکتب.
۴۵. کعکی، عبدالعزیز (۱۴۱۹ق)، معالم المدينة بین العمارة والتاریخ، بیروت، دار مكتبة الهلال.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، قم، دارالکتب، سوم.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۸. مرجانی، عبدالله (۲۰۰۲م). بهجة النفوس و الأسرار فی تاریخ دار هجرة النبی المختار، بیروت، دارالمغرب الاسلامی.
۴۹. مسعودی، علی (۱۳۶۵ش)، التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۰. مقریزی، احمد (۱۴۲۰ق)، امتاع الاسماع، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۱. موسوی بجنوردی کاظم (۱۳۸۳ش)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف اسلامی.
۵۲. نجفی، محمدباقر (۱۳۶۴ش)، مدینه شناسی، تهران، شرکت قلم.
۵۳. واقدی، محمد (۱۴۰۹ق)، المغازی، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۵۴. ورتیلانی، حسین بن محمد (۱۴۲۹ق)، الرحله الوثیلائییه، قاهره، مكتبة الثقافة الدینییه، اول.
۵۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۲۲ق)، البلدان، بیروت، دارالکتب العلمیه.